



گزارش دوم:

معیارها و موانع حرفه‌ای شدن کدام است؟

نمی‌دانم موجودی را که نزدیک به ۱۷۰ سال از عمرش می‌گذرد در کدام رده سنی می‌توان جای داد. آیا او کودک است و نابالغ؟ جوان است؟ میانسال است یا پیری جهان‌دیده و سردوگرم روزگار چشیده و جاافتاده؟

نمی‌دانم کودکی که ۱۷۰ سال پیش، براساس منویات خاطر ملوکانه شازده‌های قجر و به عنوان تحفه سفر از فرنگ وارد کشورم شد تا اخبار دارالخلافه را به گوش رعایای بی‌خبر از همه جا برساند، آنقدر مستقل و بزرگ شده است که حرف و حدیثش از طی طریق زندگانی، او را مرشد و راهبر جوان جوایب حقیقت امروز کند.

این کودک، عاشقان بسیاری داشته است که برای بالندگی و بلوغ او حتی سربردار و تن به آتش داده‌اند و شاید هم از ایسن روست که «ژورنالیسم» و «روزنامه‌نگاری» در ایران از نگاه رعایای دیروز و شهروندان امروز یا شهادت در راه آزادی قلم را به ذهن متبادر می‌کند و یا بادنجان دورق‌ب چینی برای سفره حکومت را، چرا که یا میرزاده عشقی‌ها را دیده‌اند که سرب داغ به حلق شان ریختند یا صوراسرافیل‌ها را که خریدار سردار شدند تا این کودک در امان بماند و بماند.

اما به راستی ماندن مهم‌تر است یا چگونه ماندن؟

اگر از «روزنامه‌نگاری» با واژه‌هایی یاد می‌کنیم که درخور موجودات زنده و انسانی است از این روست که در ژورنالیسم خون زندگی جریان دارد و به مانند هرانسانی برای بقا نیازمند تنفس، تغذیه، مراقبت و البته غریزه حفظ حیات است و این آخری، راز ماندن، به زعم بسیاری که در این راه مرارت کشیده‌اند سرچیزی است که در جست‌وجوی آن هستیم، یعنی حرفه‌ای ماندن.

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای؛ با کدام معیار؟
«در ادبیات نوین روزنامه‌نگاری در عرصه بین‌المللی از این حرفه به عنوان حرفه‌ای «مقدس» در کنار مشاغلی چون پزشکی و یا روحانیت یاد می‌شود. مشاغلی که احترام عمومی وسیعی را نسبت به خود برانگیخته‌اند و با بی‌اعتنایی به عامل زمان، سختی کار، حساسیت و مخاطرات شرایط محیطی تنها به مسؤولیت و وظیفه انسانی خود می‌اندیشند.»^۱

این حرفه برای نخستین بار در سال ۱۹۳۵ در فرانسه توانست به تعریفی

قانونی برسد: «روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او کار در یک روزنامه یا نشریه دوره‌ای یا یک خبرگزاری باشد» و امروز نیز بسیاری از صاحب‌نظران و معتقدان به تعریف قانونی از حرفه روزنامه‌نگاری با اضافه کردن جمله کوتاهی که شامل خبرنگاران رادیو و تلویزیون نیز می‌شود تقریباً براین تعریف اتفاق نظر دارند.

به نظر می‌رسد طراحان این تعریف نیازی به تعریف «روزنامه‌نگار» احساس نکرده‌اند چرا که آن را بدیهی و روشن می‌پنداشته‌اند و تنها برای جدا کردن کسانی که از سرتفنن روزنامه‌نگاری می‌کنند از کسانی که از این راه امرار معاش می‌کنند، به ارائه این تعریف پرداخته‌اند. اما در کشور ما گویا هنوز بر سر تعریف واژه «روزنامه‌نگار» توافق حاصل نشده است چه رسد به «روزنامه‌نگاری حرفه‌ای» با این حال از زبان آنهایی که حرفه‌ای هستند بدون آنکه منتظر تعریف کتاب‌های قانون شویم، معیارهای حرفه‌ای بودن را جست‌وجو می‌کنیم.

ام.وی. کامات. در کتاب «روزنامه‌نگار

کیست؟» در پاسخ به این سؤال کلیدی می‌گوید: «آدم‌های زیادی در گوشه‌وکنار

دنیا هستند که گاه‌وبی‌گاه مطلبی را می‌نویسند و خودشان را روزنامه‌نگار می‌خوانند. آیا اینها واقعاً روزنامه‌نگارند؟ پس چگونه می‌توان آنها را از افراد حرفه‌ای که به‌طور منظم برای روزنامه‌ها، مجلات و نشریات کار می‌کنند جدا کرد؟ پس قبل از هر چیزی، روزنامه‌نگاری برای کسی که آموزش‌های لازم و تخصصی را در زمینه کار پیچیده انتشار یک روزنامه دیده است یک شغل محسوب می‌شود و این مورد درباره آماورها مطرح نیست.^۲

اما کامات نیز چون دیگران تنها حضور در لیست حقوق بگیران یک نشریه یا رسانه را دلیل روزنامه‌نگار حرفه‌ای بودن نمی‌داند زیرا به درستی می‌داند که روزنامه‌نگاری فراتر از آن است که در قالب تعریف‌های خشک و رسمی از یک شغل بگنجد و در جای دیگری از همان کتاب می‌افزاید: روزنامه‌نگار حرفه‌ای را به راحتی می‌توان شناخت. او در استخدام یک روزنامه است. برای روزنامه‌اش گزارش تهیه می‌کند، ممکن است مقاله یا سرمقاله هم بنویسد و زمانی نیز در نقش یک ویراستار ظاهر شود. کارهایی که او انجام می‌دهد به وسعت دنیای پیرامون اوست. حرفه‌ای کسی است که آموزش‌های لازم را در زمینه تخصصی‌اش دیده است. روزنامه‌نگاری یک حرفه است مثل حقوق یا طب یا مهندسی اما در عین حال صنعتی است که باید آموخته شود و وای بر روزنامه‌نگار ناشری که از اصول مدیریت بازرگانی خبر نداشته باشد! «ساداندا» روزنامه‌نگار بزرگی بود اما تاجر خوبی نبود و آخر کار هم شکست خورد.

آنها که حرفه‌ای‌اند معتقدند که یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای حتی از تجارت هم باید سررشته داشته باشد. چنانچه کامات در جای دیگری می‌گوید: «روزنامه‌نگاری موفق، لزوماً روزنامه‌نگاری خوب نیست. اما روزنامه‌نگاری خوب باید موفق هم باشد.» و هر یک به زعم خود صفتی را بر

صفات یک روزنامه‌نگار خوب و حرفه‌ای می‌افزایند، رستون از نیویورک تایمز «سرحالی و زنده‌دلی»، پل میر، زرنگی و حیلہ گری و هربرت بروکر از سردبیران معروف، «حقیقت‌شناسی و مسورا از ماست کشیدن»^۳ و روزنامه‌نگار موفق همه اینها را دارد و چیزی فراتر از اینها را نیز.

اما در محیط کارمندپرور روزنامه‌نگاری در ایران که همواره و در طول تاریخ حیات خود فرازونشیب‌های بسیاری را از سرگذرانده است و همیشه بیشترین لطمات را به جان خریده، آیا مجالی برای بروز صفات یک روزنامه‌نگاری حرفه‌ای فراهم بوده است و حتی در صورت بروز، فرصت رشد و شکوفایی یافته است؟

در حال حاضر طی می‌کنیم نیز یکی از همان طفولیت‌های مکرر است که اگر با هوشیاری از آن مراقبت کنیم به بلوغ خواهد انجامید.

موانع حرفه‌ای شدن کدام است؟

«امتیازات انحصاری، عملکرد جزیره‌ای، تولید انحصاری خبر توسط مراکز مشخص و محدود، هویت تک‌بعدی، نداشتن دغدغه‌های حضور در صحنه‌های فراملی»^۴ و عدم استقلال حرفه‌ای، جریانات سیاسی و وابستگی‌های حزبی و نبود پشتوانه علمی مستحکم، مشکلات اقتصادی، تصور غلط از حرفه روزنامه‌نگاری همه و همه عواملی هستند که در بحث‌های

■ اگر از روزنامه‌نگاری با واژه‌هایی یاد می‌کنیم که درخور موجودات زنده و انسانی است از این روست که در ژورنالیسم خون زندگی جریان دارد و به مانند هرانسانی برای بقا نیازمند تنفس، تغذیه، مراقبت و البته غریزه حفظ حیات است.

■ حرفه روزنامه‌نگاری برای نخستین بار در سال ۱۹۳۵ در فرانسه تعریف شد: روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی مرتب و بااجرت او کار در یک روزنامه یا نشریه دوره‌ای یا یک خبرگزاری باشد.

صاحب‌نظران به عنوان مهم‌ترین موانع حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری در ایران از آنها یاد می‌شود.

«طسببق نتایبب یک برسری، روزنامه‌نگاران پاسخگو، مشكل اقتصادی و نبود امنیت شغلی، مشکلات سیاسی و وجود قوانین ناصحیح را به ترتیب جزو عمده‌ترین موانع حرفه‌ای شدن برشمرده‌اند. ۶۲ درصد از روزنامه‌نگاران مورد بررسی مشکل اقتصادی را مهم‌ترین مشکل حرفه‌ای خود ذکر کرده‌اند اما با این حال مهم‌ترین خواسته آنان برخورداری از آزادی بیان بوده است. آنان همچنین خواهان تضمین حق دسترسی آزادانه به منابع خبری و تدوین قوانینی هستند که براساس آن حقوق روزنامه‌نگاران و

حسن نمکدوست تهرانی دانشجوی دوره دکتری ارتباطات، مدرس روزنامه‌نگاری و عضو تحریریه مجله پیام امروز می‌گوید که کودکی روزنامه‌نگاری ایران فرصت بازیگوشی در دوره‌های کوتاه آزادی را یافته است اما این دوره‌ها چندان پایدار نمانده که بتوان روزنامه‌نگاری قابل اتکایی را از دل آن خارج کرد و در یک کلام روزنامه‌نگاری ایران فاقد تکنیک برخاسته از تجربه بومی است. روزنامه‌نگاری در ایران گرفتار طفولیت‌هایی پی‌درپی بوده است. در دوره‌های متعددی به سمت بلوغ و شکوفایی گام برداشته اما ناگهان با وقوع یک رویداد غیرمنتظره همه رشته‌ها پنبه شده است. وی معتقد است دورانی را که

نشریاتی که انتشارشان به هردلیلی متوقف می‌شود تضمین گردد»^۶ و براساس نتایج یک تحقیق دیگر «گرچه روزنامه‌نگاران ایرانی از درآمد اندک خود گله‌مند هستند اما چون از تأثیرگذاری حرفه خود و اهمیت آن در سطح جامعه مطلع هستند ۶۶/۳ درصدشان از حرفه خود اظهار رضایت کرده‌اند اما ۸۴/۴ درصد آنان گفته‌اند که از امنیت شغلی کمی برخوردارند.»^۷

استقلال حرفه‌ای، خود متضمن وجود تعریف قانونی از روزنامه‌نگار مبتنی بر ماهیت کار وی، تعیین مرجع انتخابی، مستقل و حرفه‌ای برای رسیدگی به تخلفات مطبوعاتی، صدور کارت هویت

■ دکتر نعیم بدیعی، رئیس

گروه ارتباطات دانشگاه

علامه طباطبایی:

روزنامه‌نگاری فعلی ما مانند

حرکت در جاده‌ای بن‌بست،

آن هم با سرعتی

سرسام‌آور است. نتیجه این

است که شما نهایتاً با دیوار

انتهایی جاده برخورد

خواهید کرد.

حرفه‌ای توسط منبع مستقل و انتخابی، تدوین قانون خاص برای تضمین دسترسی روزنامه‌نگاران به منابع خبری و حفظ اسرار حرفه‌ای و ... است که نبود آن نیز از دیگر موانع بزرگی است که تاکنون از پیش پای روزنامه‌نگار ایرانی برداشته نشده است.

اما حسین قندی روزنامه‌نگار با سابقه و مدرس روزنامه‌نگاری از دریچه دیگری به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نگاه می‌کند. آنها که کلاس درس او را تجربه کرده‌اند مکرراً از او شنیده‌اند که روزنامه‌نگار جهان سومی، علاوه بر مسلح بودن به سلاح علم، توانایی حرفه‌ای و برخورداری از تخصص می‌بایست یک مهارت دیگر را



■ با وضعیتی که روزنامه‌ها

در حال حاضر دارند، امکان

فرستادن دانشجویان به

تحریریه‌ها وجود ندارد زیرا

اکثر روزنامه‌ها ماهیت سیاسی

دارند و حاضر نیستند بدون

شناخت، افراد را بپذیرند. این

کار باید مثل دیگر کشورها در

خود دانشگاه انجام شود یعنی

هر دانشکده روزنامه‌نگاری،

دارای کارگاه روزنامه‌نگاری و

نشریه‌ای هفتگی یا روزانه

باشد.

بیاموزد و به شوخی می‌گوید فکر می‌کنم بین درس‌های روزنامه‌نگاری جای ۲ واحد «بندبازی» خالی است! به زعم او، یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای یک بندباز ماهر است که از روی بندنازکی که در یک سوی آن مسؤلیت اجتماعی و در سوی دیگر آن آزادی بیان قرار دارد با احتیاط رد می‌شود و اگر هشیار باشد به سلامت به آن سوی بند خواهد رسید.

قندی، روزنامه‌نگاری آزاد، مستقل و مردمی را با رعایت اصول و قواعد تخصصی و در نظر گرفتن خصوصیات خاص این حرفه، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مسمی‌داند. او می‌گوید: گرچه ما روزنامه‌نگاری را از غرب گرفتیم و به

خاطر ذهنیت غلطی که طی این سالها در بین مردم، مسؤولان و حتی خود روزنامه‌نگاران نسبت به این حرفه وجود داشته است، لطمات فراوانی دیده‌ایم اما با این حال توانسته‌ایم این فن از غرب آمده را با اندیشه ایرانی درآمیزیم و به یک روزنامه‌نگاری با رنگ‌وبوی ایرانی دست یابیم. اینکه از عدم دسترسی آزادانه به اطلاعات و خیلی چیزهای دیگر حرف می‌زنیم خوب است، اما ما یک نکته را در بررسی‌های خود نباید فراموش کنیم و آن زمینه سوء تفاهم تاریخی میان حکومت و روزنامه‌نگاران در ایران بوده است. و این سوء تفاهم، تعریف دسترسی به اطلاعات و دیگر مبانی استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری را با تعاریف مشابه آنها در غرب، متفاوت می‌سازد. ذهنیت خود روزنامه‌نگاران هم نسبت به حرفه‌شان تا حد زیادی غلط است. در ذهن ما، روزنامه‌نگار یا «کریم پورشریازی» و «میرزاده عشقی» است یا آدم‌هایی که با دولت کنار آمدند و «عاقبت به‌خیر» شدند. من می‌خواهم بگویم هیچ‌کدام از اینها روزنامه‌نگاری حرفه‌ای نیست. روزنامه‌نگاری هم یک شغل است البته با خصوصیات خاص خودش و من فکر می‌کنم روزنامه‌ای که برای مردم بنویسد و استقلال خود را حفظ کند می‌تواند ادامه‌دهنده روزنامه‌نگاری حرفه‌ای باشد.» وی معتقد است نمی‌توانیم صفت بد یا خوب را برای روزنامه‌نگاری ایران به کار ببریم بدون آنکه مسائل پیرامونی تأثیرگذار را نادیده بگیریم. اگر مطبوعات ما خوب هستند، حتماً سیستم اقتصادی ما خوب است، لابد آموزش و پرورش خوبی داریم، از آموزش عالی با کیفیتی برخورداریم و بالعکس. بدون در نظر گرفتن ساختارهای اصلی یک جامعه هرگز نمی‌توان به قضاوتی درست رسید.

مطبوعات حرفه‌ای یا فرقه‌ای؟

در طول تاریخ ۱۷۰ ساله مطبوعات

از روزنامه‌نگار حرفه‌ای چه انتظاری دارید؟

سردبیر «خرداد» پاسخ می‌دهد

- روزنامه‌نگار حق ندارد قضاوت کند. حق ندارد بینشی را بر مخاطبش تحمیل کند. ما فقط حق داریم راوی و بازگوکننده مطالب باشیم.
- روزنامه‌نویسی به ویژه در جامعه ما، شغل شاقی است. برای درهم و دینار و خوش آمدن و بدآمدن این و آن، قلم نزنیم. نیت خود را خالص کنیم.

پرسیده‌اید: به عنوان یک سردبیر روزنامه در ایران امروز، انتظارتان از یک «روزنامه‌نگار حرفه‌ای» چیست؟

در پاسخ این پرسش، حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد. من کوشش می‌کنم فهرست‌وار به برخی از آنها، اشاره کنم.

«روزنامه‌نگار حرفه‌ای» همچنان که از نامش پیداست، دارای دو مشخصه است:
۱. روزنامه‌نگار بودن؛ ۲. حرفه‌ای بودن.

روزنامه‌نگاری، در همه جای دنیا یک رشته تحصیلی است که عده‌ای به دلیل تمایلات ویژه آن را انتخاب می‌کنند و درسش را می‌خوانند و واحدهایش را می‌گذرانند و فارغ‌التحصیل می‌شوند. پس از آن هم اگر مجال بود و علاقه‌ای و امکانی فراهم شد، در جایی به صورت حرفه‌ای شروع به کار می‌کنند. اما من تصور می‌کنم پرسش شما معطوف به این مسأله نیست و انتظار چندانی هم از این نوع روزنامه‌نگار نمی‌توان داشت.

ولی انتظارات من از یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای این است که:

۱. ظرف زمانی و مکانی خودش را بشناسد، و براساس عینیت‌های جامعه‌اش قلم بزند.
۲. پایبند به قانون مطبوعات و آیین‌نامه‌های اجرایی آن باشد، و به هیچ وجه پایش را از گلبوم قانون فراتر نگذارد.

۳. مؤدب و متین بنویسد. ادب و نزاکت را فراموش نکند. از تهمت زدن، تمسخر و هتاک‌گری بپرهیزد و حتی با نمادهای منفی و سوزنده‌های پلشت، به ترمی و ظرافت و وقار برخورد کند.

۴. تعصب و هواداری جناحی و جریانی را در کار خویش نمودار نسازد. سوزها و پرسوناژها صرفاً برایش سوز باشند و پرسوناژ، حرف هرکس را همان‌طور که هست بازگوید و بگذارد خواننده در نهایت به تشخیص برسد. روزنامه‌نگار حق ندارد قضاوت کند. حق ندارد بینشی را بر مخاطبش تحمیل کند. ما فقط حق داریم راوی و بازگوکننده مطالب باشیم و وظیفه بر مخاطره اطلاع‌رسانی را به صورت صحیح انجام دهیم.

۵. روزنامه‌نویسی - بنا به طبیعت خاصش - و به ویژه در جامعه ما، شغل شاقی است. برای درهم و دینار و خوش آمدن و بدآمدن این و آن، قلم نزنیم. نیت خود را خالص کنیم. رضایت رب الارباب و دفاع از بندگان را نصب‌العین خویش قرار دهیم و حرمت قلم را پاس داریم که فرموده است ن والقلم و ما یسطرون... □

علی حکمت - سردبیر روزنامه خرداد

ایران شاید به جرأت بتوان گفت که بزرگترین لطمه بر پیکره روزنامه‌نگاری حرفه‌ای خارج شدن آن از خط استقلال و بی‌پروایی در استفاده از فضای آزادی بوده است. روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، روزنامه‌نگاری فرقه‌ای نیست. گرچه احزاب می‌توانند با به‌کارگیری روزنامه‌نگاران متخصص در جذب هرچه بیشتر مخاطبان توسط ارگان‌های رسمی بکوشند اما آنچه از آن به عنوان روزنامه‌نگاری حرفه‌ای یاد می‌شود استقلال و آزادی را مهم‌ترین خصیصه خود می‌شمارد. داستان تکراری نبود احزاب در ایران، ایجاد فضاهای طولانی اختناق که منجر به بی‌پروایی در فضای

■ تنها مقطع موفق در

آموزش روزنامه‌نگاری در

ایران زمانی بوده است که

ارتباط تنگاتنگی میان

مطبوعات و دانشگاه وجود

داشته است و در واقع اولین

دوره آموزشی نیز به

منظور تأمین نیروی

متخصص برای روزنامه‌ها

راه‌اندازی شد.

آزادی شده و به روزنامه‌نگاری مستقل نیز لطمات جبران‌ناپذیری وارد کرده است. بارها شنیده‌اید. اما مشکل اصلی این است که گویا گذشته درس عبرتی برای آینده نبوده است. نه در سطح مسئولان حکومت و نه در بین روزنامه‌نگاران.

اگر نگاه کوتاهی به شناسنامه انبوه مجلات و روزنامه‌های روی پیشخوان روزنامه‌فروشی‌ها بیندازید در مقابل نام صاحب امتیاز، مدیرمسئول و گاه سردبیر با نام‌های آشنایی مواجه می‌شوید که بیشتر در حوزه سیاست آنها را شنیده‌اید تا در حرفه روزنامه‌نگاری.

پیوند ارگانیک این صاحبان امتیاز با سلسله مراتب حکومتی نتیجه‌ای جز

برشمردن موفقیت‌هایی که روزنامه‌نگاران در چندسال اخیر کسب کرده‌اند می‌گوید: به نظر من همین که بر تعداد نشریات افزوده شده است، نشریات تخصصی متعدد بعضاً با طراحی‌ها و کارکردهای خوب به صحنه آمده‌اند و از همه مهمتر روزنامه‌نگاری نزدیک به صحنه رویداد، باب شده است و روزنامه‌نگاران به این نتیجه رسیده‌اند که باید با هم تعامل داشته باشند و در جزیره‌ای کوچک خود به تنهایی فرمانروایی نکنند، امیدوارکننده است. امروز دیگر روزنامه‌نگاران ما به باور حرفه‌ای از خود نزدیک می‌شوند و به سوی روزنامه‌نگاری مشارکت‌جویانه قدم برمی‌دارند.

تخصص: هم آموزش و هم تجربه
 روزنامه‌نگاری، حرفه‌ای میان رشته‌ای است و یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که بیشتر بداند و محدودیتی برای دانسته‌های او نمی‌توان تصور کرد و این دانش از بالاترین سطوح افراد شاغل در یک روزنامه تا پایین‌ترین آنها را دربرمی‌گیرد. اما ضعف علمی همواره و در بین روزنامه‌نگاران ما مشهود بوده است چنانکه درحال حاضر حتی یک چهره شاخص بین‌المللی در بین روزنامه‌نگاران ایرانی وجود ندارد. از سوی دیگر آنها که همان‌اندک آموزش دانشگاهی را دیده‌اند در تحریریه‌ها جای مناسبی برای کسب تجربه پیدا نمی‌کنند. حسین قندی با اشاره به سنت قدیمی استاد و شاگردی در تحریریه‌ها می‌گوید: «یک روزنامه‌نگار جوان که تحصیلات دانشگاهی را هم گذرانده، باید بسیاری از مطالب را بداند و دیگر ما حوصله سروکله زدن و از صفر شروع کردن را نداریم. با این حال رسم بسیار خوبی که در گذشته وجود داشت رسم استاد و شاگردی بود که دانشجوی تحصیل‌کرده در کنار دست یک فرد با تجربه کار می‌کرد. هنگامی که تخصص و تجربه عجین شوند نتیجه مثبتی خواهد



■ حسین قندی، روزنامه‌نگار و مدرس روزنامه‌نگاری: روزنامه‌نگار حرفه‌ای یک بندباز ماهر است که از روی بندنازکی که در یک سوی آن مسؤولیت اجتماعی و در سوی دیگر آن آزادی بیان است با احتیاط رد می‌شود و اگر هشیار باشد به سلامت به آن سوی بند خواهد رسید.

اقتصادی و اجتماعی کمتر می‌شود و به رقم صفحات سیاسی اضافه می‌گردد. اما چرا؟ آیا آهسته و پیوسته رفتن را باید در مقابل قوانینی که در آستانه قرن بیست و یکم، آدم‌ها را از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم می‌کنند نیز برتایید؟ این سؤالی است که روزنامه‌نگاران می‌پرسند؟ زیرا روزنامه‌نگار حرفه‌ای علاوه بر وکیل مدافع دولت بودن، مدعی‌العلوم هم هست، چشم سوم ملت نیز.

اما حسن نمکدوست و حسین قندی معتقدند با کمی اصلاح در وضع موجود و توجه بیشتر به اصول حرفه‌ای می‌توان به آینده این کودک امیدوار بود. نمکدوست با

■ وقتی رشته‌ای مهجور بماند، طالبان آن رشته هم مهجور می‌مانند. اگر ما روزنامه‌نگار مطرح در سطح بین‌المللی نداریم به این دلیل بوده است که طالب داشتن این افراد نبوده‌ایم.

روزنامه‌هایی که صفحات آنها پراز «زنده باد مرده باد» است به دنبال نخواهد داشت. و این روزنامه‌نگاری با بهره‌گیری از نیروهای مستخصص و جذابیت‌های حرفه‌ای، مجاللی برای جذب مخاطب توسط نشریات مستقل باقی نمی‌گذارد. از سویی دیگر نیز از آنجا که نشریات مستقل با کانون‌های قدرت و در نتیجه منابع مالی ارتباطی ندارند، ناچار از سر فرودآوردن در مقابل غول‌هایی هستند که از حمایت مالی و سیاسی به عنوان پشتوانه برخوردارند.

دکتر نعیم بدیعی مدرس ارتباطات در مورد فضای موجود در مطبوعات معتقد است؛ ما بر سر یک دوراهی هستیم، از یک سو نمی‌توان مانند گذشته از مطبوعات و مردم خواست که حرف نزنند و از سویی با نوعی بی‌احتیاطی از سوی روزنامه‌های خبری مواجه هستیم. این‌طور حرکت کردن درست مثل این می‌ماند که در جاده‌ای که انتهای آن به یک بن‌بست ختم می‌شود با سرعت سرسام‌آور حرکت کنید. شما نهایتاً با دیوار انتهایی برخورد خواهید کرد! رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود، این را خیلی‌ها می‌گویند. مطبوعات امروز ما دیگر کمتر به دردهای اصلی مردم می‌پردازند. جنگ قلمی دغدغه اصلی‌شان شده. خبرهایشان کم‌کم تبدیل به تفسیر شده و از عینیت خارج می‌گردند. روزبه‌روز از حجم صفحات

مسئولیت‌های یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای چیست؟

موانع روزنامه‌نگاری در ایران امروز کدام است؟

حرف‌های سردبیر «نشاط»

■ روزنامه‌نگار حرفه‌ای در واقع کسی است که چشم و زبان و گوش مردم است و امانتداری مشخصه اصلی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است.

در پاسخ به سؤال اول می‌گویم که مسئولیت یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای بیش از هر چیز اطلاع‌رسانی در چارچوب یک فعالیت حرفه‌ای است. وقتی می‌گوییم حرفه‌ای، معنای آن این است که حرفه روزنامه‌نگاری مبانی و اصول گوناگونی دارد که امانت‌داری در ثبت وقایع، عدم پیش‌دوری در برخورد با مقولات اجتماعی و انتقال بی‌طرفانه داده‌ها به افکار عمومی شاکله آن را سامان می‌دهد. یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای در واقع کسی است که چشم و زبان و گوش مردم است و این وظیفه و رسالت از پدیده‌های جهان جدید است. بنابراین امانتداری مشخصه اصلی این حرفه را تشکیل می‌دهد.

با شکل‌گیری نهادهای مدنی در عصر مدرن، مطبوعات مستقل نیز به عنوان رکن یا قوه چهارم تأسیس شدند. این رکن موظف است به صورت جداده دوپانده حرکت کند. از یک سو باید خبرهای بدنه اجتماعی را به دستگاه‌های قدرت سیاسی منتقل کند و از سوی دیگر خبرها و مجموعه تحولات ساختارهای سیاسی را به بدنه اجتماعی منتقل کند. حال هرچه این رکن یا روزنامه‌نگار در انتقال امانت‌داری داده‌ها به دو طرف حرم اجتماعی موفق باشد، صفت حرفه‌ای برآزنده آن خواهد بود.

در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که همه روزنامه‌نگاران در جامعه کنونی ما از موانع موجود آگاهی دارند و نیاز به تکرار و شمارش موانع موجود نیست. آنچه بیش از هر مسأله باید بدان پرداخت، عواقب خواسته یا ناخواسته این موانع بر کل ساختارهای اجتماعی به ویژه ساخت قدرت سیاسی است که در اینجا می‌خواهم به طور مختصر بدان بپردازم. وقتی رکن چهارم دموکراسی یعنی مطبوعات مستقل از سوی دیگر قوای سه‌گانه یعنی مقننه، مجریه و قضائیه در معرض تهدید قرار گیرد این تهدید در قلمرو رکن چهارم محدود نخواهد ماند، بلکه به دلیل آنکه مطبوعات حلقه ارتباطی افکار عمومی و ساختارهای سیاسی در جامعه به‌شمار می‌روند، سایر قوا و ارکان هر نظام نیز در معرض تهدید و تزلزل قرار خواهند گرفت. در این صورت ارکان دیگر نباید از جو بدبینی و بی‌اعتمادی افکار عمومی نسبت به آنها ناله کنند. این عین واقعیت است که شما وقتی مثلاً قوه مقننه را تهدید کنید قوه مجریه و قضائیه نیز در معرض تهدید قرار می‌گیرند. همین ماجرا در مورد قوه چهارم یا رکن چهارم نیز صدق می‌کند.

اکنون مطبوعات ایران با دو مشکل عمده مواجه هستند که از سوی دو رکن دیگر نظام مورد تهدید واقع شدند. یکی قوه مقننه و دوم قوه قضائیه. قوه مقننه در صدد است تا تهدید مطبوعات و آزادی بیان و انتشار عقاید را به صورت قانونی دنبال کند تا قوه دیگر یعنی قوه قضائیه برای برخورد با مطبوعات با گشاده‌دستی بیشتری وارد عمل شود. قوه قضائیه نیز از دو سال قبل روش برخورد فراقانونی با مطبوعات مستقل را شروع کرده که تاکنون ادامه دارد. بازداشت روزنامه‌نگاران، جرم‌تراشی برای آنان، تهدیدهای حضوری، تلفنی و غیره همه و همه رکن چهارم دموکراسی را به گونه‌ای جدی مورد تهدید قرار داده است. در این صورت نباید انتظار داشت که تهدید این رکن به تزلزل ارکان دیگر منتهی

نشود. □ ماشاءالله شمس‌الواعظین - سردبیر روزنامه نشاط

داشت. متأسفانه در دوره‌ای، بسیاری از نیروهای مجرب تحریریه‌ها به دلایل مختلف کنار رفتند و افرادی با حسن‌نیت اما فاقد تخصص جای آنها را گرفتند که نمی‌توانستند چیزی به زیردستان خود که حالا نسل جدیدی را تشکیل می‌دهند، بیاموزند. و از رهگذر همین دیدگاه‌های خیرخواهانه پس از یک نسل، دیگر حتی یک روزنامه‌نگار مطرح که خارج از جغرافیای ایران قلم بزند وجود ندارد. قندی در این مورد معتقد است «وقتی رشته‌ای مهجور بماند، طالبان آن رشته هم مهجور می‌مانند. آموزش ما یک آموزش حرفه‌ای است اما جایگاه تجلی پیدا نمی‌کند. در گذشته هم معدود افرادی

■ پیوند ارگانیک صاحبان

نشریات با سلسله مراتب

حکومتی، نتیجه‌ای جز

روزنامه‌هایی که صفحات آنها

پر از زنده‌باد و مرده‌باد است

به دنبال نخواهد داشت.

بودند اما در این نسل من کسی را سراغ ندارم. اگر می‌بینید که چنین افرادی نیستند به این علت است که سرمایه‌گذاری روی پرورش آنها نشده است. به عقیده من اگر به مسائل علمی و آموزشی از دیدگاه منافع دولتی و حکومتی نگاه کنیم دچار نقص خواهیم شد. باید در جهت منافع ملی به آن نگاه شود. همانطور که کشورهای مثل مصر، سرمایه‌گذاری کردند و به نتیجه رسیدند و به همین خاطر هم هست که شما اگر بخواهید روزنامه‌ای منتشر کنید افراد متخصص به تعداد انگشتان دست هستند و در همین یکی دو ساله اخیر چندین روزنامه به علت نبود افراد با تجربه و متخصص شکست

خوردند. روزنامه‌نگاری فعلی در ایران نتیجه همان سرمایه‌گذاری دهه ۵۰ است که حالا ثمر داده است. آینده را باید دید که با این سرمایه‌گذاری فعلی چه ثمری خواهد داد.

آیا بهترین و کامل‌ترین آموزش‌ها در امور تخصصی می‌تواند یک روزنامه‌نگار برجسته بسازد بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های ذاتی یا تجربه؟

آنهایی که تحصیلات دانشگاهی ندارند حداقل ذوق و علاقه ادامه دادن و آموختن را دارند ولی آنان که تحصیلات دانشگاهی دارند، محملی برای اندوختن تجربه ندارند. اما اینجا هم مثل همه جا پاسخ از قبل روشن است. تجربه یا

■ **باب شدن روزنامه‌نگاری مشارکت‌جویانه و نزدیک به صحنه رویداد از نشانه‌های حرکت به سوی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است.**

تخصص هیچ‌کدام به تنهایی کارساز نیست. هردو با هم میوه‌ای شیرین خواهند داد اما آنان که تحصیل این رشته را می‌کنند زودتر مجال بروز استعدادها را خواهند یافت. ولی باز هم معلوم نیست رقم ۲۷ درصدی که در مورد ارتباط رشته تحصیلی شاغلان در روزنامه‌ها با حرفه‌شان وجود دارد کی فزونی خواهد یافت.^۸

هیچ‌کس حاضر نیست قبول کند که مقصر است. طی این سالها آنقدر درباره ضعف آموزش روزنامه‌نگاری در ایران گفته‌ایم و شنیده‌ایم که دیگر واقعاً به این نتیجه رسیده‌ایم که آنچه به جایی نرسد فریاد است.



■ **حسن نمکدوست،**

روزنامه‌نگار و دانشجوی

دوره دکتری ارتباطات:

کودک روزنامه‌نگاری ایران،

فرصت بازیگوشی در

دوره‌های کوتاه آزادی را

یافته است اما این دوره‌ها

چندان پایدار نمانده که

بتوان روزنامه‌نگاری قابل

اتکایی از دل آن استخراج

کرد و در یک کلام

روزنامه‌نگاری ایران فاقد یک

تکنیک برخاسته از تجربه

بومی است.

در خبرها از اعتراض دانشجویان دانشگاه امیرکبیر نسبت به قطع سیستم اینترنت در این دانشگاه و اتصال دانشگاه شهید بهشتی به شبکه‌های جهانی اطلاع‌رسانی شنیدیم و باز یادمان آمد که دانشجوی روزنامه‌نگاری حتی دو واحد مبانی کامپیوتر را نیز طی یک دوره چهارساله نمی‌گذرانند و باز یادمان آمد که دانشجوی روزنامه‌نگاری لیسانس می‌گیرد اما بدون آنکه حتی یک دوره شش‌ماهه کارآموزی در یکی از روزنامه‌ها را طی کرده باشد. این دیگر عین بی‌عدالتی است که دانشجوی روزنامه‌نگاری از ابتدایی‌ترین امکانات برای کار عملی در محیط تحصیل خود نیز بی‌بهره باشد و تنها به جزوه‌های

■ **روزنامه‌نگار ایرانی اگر**

خود را باور کند و بتواند

این باور را با فعالیت درست

و حرفه‌ای و تخصص و

توانایی علمی به دیگران

ثابت کند، دیگران نیز او را

نادیده نخواهند گرفت.

درسی دل خوش کند.

رقم‌های ارائه شده در مقاله‌ای در دومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران که خبر از کیفیت پایین آموزش این رشته می‌داد نیز گویا خم به ابروی هیچ‌کس ننشاند و تنها بر حسرت دانشجوی روزنامه‌نگاری افزود:

«۸۲ درصد پاسخگویان این تحقیق گفته بودند که هیچ‌کدام از وسایل عکاسی، فیلمبرداری، کامپیوتر، کتابخانه تخصصی را در اختیار ندارند.»^۹ از آنجا که خود نیز در یکی از همین دانشگاه‌ها درس خوانده‌ام فکر می‌کنم آن ۱۸ درصد دیگر، در هنگام پاسخگویی به پرسشنامه در عوالم دیگری سیر می‌کرده‌اند که در مقابل گزینه‌های مربوط به امکانات آموزشی پاسخ مثبت داده‌اند.

رشته روزنامه‌نگاری رشته‌ای نیست که با گچ و تخته و ایت‌برد مشکلس حل شود. دانشجوی روزنامه‌نگاری یک پایش باید در کلاس و پای دیگرش در روزنامه باشد، روزنامه‌نگاری هم ذوق می‌خواهد و هم علم، گزینش دانشجوی روزنامه‌نگاری باید از طریق آزمون ویژه باشد، اگر در مدرسه خوب انشا می‌نوشتید به این معنی نیست که روزنامه‌نگار خوبی هم خواهید شد. در کشورهای خیلی پیشرفته که هیچ، همین کنار گوش خودمان

چرا روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران پا نمی‌گیرد؟

عضو هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران پاسخ می‌دهد

■ همان اراده‌ای که مانع شکل‌گیری نهادهای مستقل حزبی است، مانع ایجاد مطبوعات مستقل نیز هست.

در درجه اول می‌باید به ضعف نهاد مطبوعات اشاره کرد. مطالعه‌ای که در سال ۱۳۷۰ با چند تن از همکاران در معاونت مطبوعاتی انجام دادیم نشان داد که از نظر مردم چیزی به عنوان نهاد مطبوعاتی که مستقل از حکومت و حاکمیت باشد وجود ندارد. به عبارت دیگر مطبوعات در آن زمان جزو نهادهای مدنی نبودند. اگر مردم به حکومت نظر مثبتی داشتند به تبع آن به مطبوعات حکومتی هم نظر مثبتی داشتند و برعکس. در چنین ساختاری مطبوعات بلندگوهای حکومت هستند و نه چشمان ناظر ملت و در نتیجه، کارکرد اصلی مطبوعات را ندارند و بدیهی است که عناصر متشکله آن یعنی روزنامه‌نگاران، دارای صلاحیت و یا رضایت شغلی لازم نخواهند بود. در چنین محیطی کسانی که مدعی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای می‌شوند در حقیقت در پس پرده دفاع از ظلم و تعدی چنین مدعیانی را عنوان می‌کنند. آنان در حالی که نان را به نرخ حکومت میل می‌کنند، داعیه دفاع از مردم را دارند. این جماعت در برابر قدرت حاکم منفعل و بی‌اختیار هستند و طبعاً توان ایجاد تشکیلات حرفه‌ای مستقل از حاکمیت را ندارند و چون چنین تشکیلاتی ندارند، امکان تبدیل شدن آنان به جمعی حرفه‌ای فراهم نمی‌شود.

مشکل بعدی نیز در پی ضعف اول ایجاد می‌شود. روزنامه‌نگاران مذکور چون جرأت نوشتن به نفع ملت و علیه دولت را ندارند. طبعاً قلم خود را علیه ملت به کار می‌برند و ضعف حرفه‌ای خود را به عهده احزاب و فقدان آن می‌اندازند و این که نیروهای سیاسی به جای مشکل شدن در احزاب وارد روزنامه‌نگاری و مطبوعات شده‌اند، اگر اندکی توجه کنیم روشن می‌شود که فقدان احزاب سیاسی هم همچون فقدان مطبوعات مستقل، ریشه در استقلال قدرت از ملت دارد. همان اراده‌ای که مانع شکل‌گیری نهادهای مستقل حزبی است مانع ایجاد مطبوعات مستقل نیز هست.

ولی از آنجا که ما در عالم واقع و در غیاب این دو نهاد، روزنامه‌نگار مستقل و حرفه‌ای نداریم ولی سیاستمدار مستقل داریم، لذا اهل سیاست برای رسیدن به اهداف خود که همان تشکیل حزب و کسب مسالمت‌آمیز قدرت است به مطبوعات روی می‌آورند، این روی‌آوری نه تنها مانع تشکیل روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیست، بلکه سنگ بنای تشکیل آن است. زیرا هنگامی که آنان در ایجاد استقلال نسبی برای مطبوعات موفق شدند، به مرور به سوی احزاب و تشکیل آن گام برمی‌دارند و در پشت سر خود ثمره شیرینی به نام مطبوعات مستقل از قدرت به جای می‌گذارند و پس از این مرحله است که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای شکل خواهد گرفت.

من شکی ندارم اکثر کسانی که شب‌وروز علیه مطبوعات - سیاسی به عنوان یک مانع در راه ایجاد روزنامه‌نگاری حرفه‌ای سخن می‌گویند، هدف اصلی ایشان بازستانی استقلال نسبی مطبوعات کنونی و قراردادن مجدد آنان در چتر حمایتی قدرت است تا بدین طریق مطامع قدرت، بیش از پیش و در غیاب مطبوعات مستقل تأمین شود و اگر رفتار سیاسی را از مطبوعات امروز بگیریم، هیچ چیز جز مجیز قدرت نمی‌ماند. □ عباس عبیدی - عضو هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

پاکستان و هند دانشجویان روزنامه‌نگاری نشریه دارند، آرزوی ما برپایی کارگاه آموزش روزنامه‌نگاری است و هزاران خواسته دیگر که یک دانشجوی روزنامه‌نگاری در طول ۴ سال آموزش بارها می‌شنود ولی چه کسی درصدد یافتن راه چاره است؟

استادانسی که برای آموزش روزنامه‌نگاری تنها به جزوه درسی اتکا می‌کنند، کسانی که همزمان با انقلاب فرهنگی این رشته را تعطیل کردند آن هم به بهانه‌های واهی - که به قول دکتر بدیعی همین که جنازه یک رشته منحل شده را به سطح دکتری رسانده‌اند، جای شکرش باقی است - درس‌هایی که به زعم ۷۱ درصد دانشجویان در تحقیق یادشده، توانایی آماده کردن دانشجو برای حضور در تحریریه را ندارند و... از جمله مشکلات و موانع موجود بر سر راه آموزش روزنامه‌نگاری است اما نکته مهم آنست که هیچ کس در این میان حاضر نیست قبول کند که او هم به اندازه خود سهمی در نابسامانی این رشته داشته است.

دکتر بدیعی مدیر گروه ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی می‌گوید: «وقتی برای تأسیس رشته‌ای مثل روزنامه‌نگاری تقاضا داده می‌شود باید بررسی شود که آیا دانشگاه لوازم و امکانات لازم و کادر علمی مناسب را دارد یا نه؟ همانطور که اگر خواستیم رشته پزشکی را تأسیس کنیم باید از درخواست‌کننده بپرسیم آزمایشگاه بیمارستان و سایر ملزومات را دارد یا نه؟

در هر حال مسئولان در سالهای اخیر نظر مثبت‌تری نسبت به این رشته پیدا کرده‌اند که امیدوارم وعده‌های آنان تحقق پیدا کند. ما هم می‌دانیم که دانشجوی روزنامه‌نگاری بدون داشتن یک روزنامه یا حداقل یک نشریه ادواری و کارگاه روزنامه‌نگاری نمی‌تواند آینده خوبی داشته باشد ولی از سویی باید قبول کنید که از زمان تعطیلی کامل این رشته تا امروز که دومین سری از دانشجویان دوره دکتری

ارتباطات نیز پذیرفته شده‌اند، کارهای بسیاری توسط افراد زحمت‌کش و دلسوز انجام شده است تا حداقل ماهیت و بقای این رشته حفظ شود.»

تسنا مقطع موفق در آموزش روزنامه‌نگاری در ایران زمانی بوده است که ارتباط تنگاتنگی میان روزنامه‌ها و دانشگاه وجود داشته است و در واقع اولین دوره آموزش این رشته نیز به منظور تأمین نیروی متخصص روزنامه‌ها راه‌اندازی شد. اما پس از آن و به دنبال انحلال این رشته و گسست میان مراکز حرفه‌ای و دانشگاه روزبه‌روز شاهد افت کیفی آموزش روزنامه‌نگاری در ایران بوده‌ایم.

دکتر بدیعی در مورد برقراری مجدد این ارتباط معتقد است. با وضعیتی که روزنامه‌ها در حال حاضر دارند، امکان فرستادن دانشجویان به تحریریه‌ها وجود ندارد زیرا اکثر روزنامه‌ها ماهیت سیاسی دارند و حاضر نیستند بدون شناخت، افراد را بپذیرند. این کار باید مثل دیگر کشورها در خود دانشگاه انجام شود یعنی هر دانشکده روزنامه‌نگاری، دارای کارگاه روزنامه‌نگاری و نشریه‌ای هفتگی یا روزانه باشد تا دانشجویان همگام با دروس نظری واحدهای عملی خود را در آن بگذرانند.»

در هر صورت پنج ضعف اساسی را می‌توان در زمینه آموزش روزنامه‌نگاری در ایران مورد دقت نظر قرار داد.

۱. نبود دانشکده مستقل آموزش روزنامه‌نگاری

۲. وجود کنکور سراسری و عمومی و احتمال قبولی افراد غیرعلاقه‌مند

۳. فراهم نبودن امکانات کارگاه آموزشی در دانشکده‌ها

۴. عدم انطباق نسبی محتوای دروس دانشکده با شرایط کشور

۵. فقدان همکاری فعال و قوی بین دانشگاه و مطبوعات»^{۱۰}

حل مشکل آموزش روزنامه‌نگاری در

ایران بیش از همه توجه مسئولان را می‌طلبد اما این امر باعث سلب مسئولیت از کسانی که می‌خواهند وارد این رشته شوند نمی‌شود. اگر واقعاً باور کنیم که چنانچه در مدرسه‌ان‌های خوبی می‌نوشتیم لزوماً روزنامه‌نگار خوبی نخواهیم شد، دیگر عمر، هزینه و توانایی خود را در یک راه بی‌حاصل از دست نخواهیم داد.

اخلاق یا حرفه‌ای‌گری! کدام یک؟

آیا اصولاً طرح این سؤال که اخلاق در مقابل حرفه‌ای بودن قرار دارد یا خیر درست است؟ آیا می‌توان از یک فرد حرفه‌ای انتظار داشت که بدون در نظر گرفتن اصول اخلاقی، حرفه‌ای مانده باشد و آیا روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بدون تمسک به اخلاق می‌تواند محلی از اعراب داشته باشد؟

این بحث زمانی مطرح می‌شود که تصور ما از اخلاق، تصور درستی نباشد. آن زمان که در تعریف اخلاق حرفه‌ای و اجتماعی همان معیارهای اخلاق فردی را به کار بریم دچار این تقابل و تضاد خواهیم شد. شاید اگر کاری در حیطه زندگی فردی، ضد اخلاقی تلقی شود - مثلاً عدم رازداری - در حیطه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای اصرار بر پوشاندن مطالب غیر ضروری که لطمه به امنیت و اعتبار افراد نمی‌زند و اصولاً فاش نکردن آنها امری غیر اخلاقی تلقی شود. تعریف اخلاق در حرفه روزنامه‌نگاری، تعریف معیارها، در گستره حرفه‌ای است که جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ دارد. چارچوب کار در حرفه روزنامه‌نگاری در تقاطع اخلاق و قانون شکل می‌گیرد.^{۱۲} و یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای آنقدر تجربه دارد که بداند در کجا اگر بنویسد یا بگوید از قلمرو اخلاق پا را فراتر گذاشته است.

حسن نمکدوست معتقد است روزنامه‌نگار حرفه‌ای نمی‌تواند روزنامه‌نگار بدون اخلاق باشد. او

می‌گوید؛ شاید بتوان قانون را دور زد اما اخلاق را هرگز و آنکه اصول اخلاقی را زیرپای می‌گذارد، یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای نیست.

به نظر می‌رسد تناقض‌ها از برداشت‌های گوناگون از واژه‌های تفسیرپذیر شکل می‌گیرند که عده‌ای، گروهی دیگر را متهم به بی‌اخلاقی در حوزه روزنامه‌نگاری می‌کنند. واژه‌هایی چون منافع ملی، امنیت ملی، انتقاد، تهمت، افترا، توهین و....

حسین قندی در این باره می‌گوید: «وقتی از واژه‌ها تعریف درستی نداریم و با عوض شدن یک وزیر یا نماینده مجلس تعریف امنیت ملی هم عوض می‌شود، منافع ملی حوزه‌اش گسترده‌تر یا محدودتر می‌شود، باید شاهد بروز چنین بحث‌هایی هم باشیم. اگر تعریفی هم از این واژه‌ها داده شود باید تعریفی باشد که ضمانت اجرا داشته باشد. ولی من معتقدم اگر این واژه‌ها را در چارچوب مردم و منافع آنها و نه اشخاص خاص، تعریف کنیم به نتیجه مطلوبی می‌رسیم.»

اما در این مورد هم معلوم نیست آیا بین کسانی که واژه‌ها را به رأی خود تفسیر می‌کنند و اخلاق را به معنای هرچه کمتر حرف زدن می‌دانند و کسانی که به عنوان روزنامه‌نگار، اطلاع‌رسانی غلط و کم‌فروشی در حرفه‌شان را غیر اخلاقی می‌دانند فصول مشترکی پایدار خواهد شد یا نه؟

سؤال‌هایی برای تأمل و توصیه‌هایی برای شنیدن

از روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در مجالی کوتاه و با سخنانی کوتاه و اندک سخن گفتیم اما همیشه سؤال‌هایی بی‌جواب می‌مانند که اگر پاسخی برایشان پیدا شود قطعاً بسیاری از مشکلات حل خواهد شد؟

نمی‌دانم آیا تشخیص و احساس مفید بودن در حرفه روزنامه‌نگاری آنقدر

سؤال‌هایی که بن‌پاسخ ماند

از مدیرمسئول روزنامه آریا پرسیدیم:

● مشکل یک روزنامه نوپا برای جذب روزنامه‌نگار حرفه‌ای چیست؟

از سردبیر روزنامه انتخاب پرسیدیم:

● آیا ترجیح می‌دهید روزنامه‌نگار حرفه‌ای استخدام کنید یا معتقد به تربیت روزنامه‌نگار حرفه‌ای با معیارهای خودتان هستید؟ چرا؟

از مدیرمسئول روزنامه صبح امروز پرسیدیم:

● روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و امنیت ملی در ایران امروز چه رابطه‌ای دارند؟

از مدیرمسئول روزنامه کار و کارگر پرسیدیم:

● روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و امنیت ملی در ایران امروز چه رابطه‌ای دارند؟

از سردبیر روزنامه کیهان پرسیدیم:

● اخلاق، یکی از حدود آزادی مطبوعات است. به‌عنوان یک سردبیر، چه مرزی بین معیارهای اخلاقی و ارزشی و ضرورت‌های کار حرفه‌ای روزنامه‌نگاری قائل هستید؟

و از رئیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران پرسیدیم:

● نقش تشکل‌های صنفی در گسترش و تعمیق روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران چیست؟

جذابیت دارد که غم‌نان را از ذهن بزداید و آیا اینکه دیگران به کسی بگویند «روزنامه‌نگار» آنقدر دلخوشی بزرگی هست که کاستی‌های ناشی از حقوق ماهی ۵۰ هزار تومان در مقابلش رنگ ببازد؟

— آیا با دانشجویان بی‌تحرك، برخی جزوه‌های نخ‌نما شده، امکانات آموزشی در حد صفر و نگاه بی‌تفاوت مسؤولان نسبت به این رشته، می‌توان در آینده شاهد بروز روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و تحریریه‌هایی پر از آدم‌های متخصص بود؟

— آیا با نگرش حاکم بر صنف روزنامه‌نگاران که جلسات انجمن صنفی را بیشتر به میدان انتقام‌جویی‌های سیاسی شبیه کرده است تا جلسات گفت‌و شنود برای رسیدن به علائق مشترک صنفی، می‌توان به استیفای حقوق روزنامه‌نگاران حرفه‌ای امیدوار بود؟

— آیا قربانی شدن نشریات مستقل در میدان جنگ قلمی مطبوعات، تصویر روشنی از آینده روزنامه‌نگاری حرفه‌ای به ما نشان خواهد داد؟

— چه کسی باید انتخاب کند؟ چگونه باید انتخاب کرد؟ آهسته‌رفتن، تسلیم قوانین عجیب و نافی و سالب آزادی شدن یا ایستادن با تمام قوا، آینده را قربانی حال کردن یا برعکس؟ میرزاده عشقی شدن یا...؟

پاسخ همه را می‌دانیم و نمی‌دانیم. زیرا هریک از منظر خود به آن پاسخ می‌گوییم. اما یک چیز را می‌دانیم و آن اینکه روزنامه‌نگاری ایرانی به شکوفایی، رشد و بالندگی نزدیک شده است و با هوشیاری این مسیر را طی می‌کند. و ما اگر خود را باور کنیم و به دیگران بیاموزیم که در صورت نادیده گرفتن ما نمی‌توانند راه را طی کنند دیگر از ذهن آنها خارج نخواهیم شد. اگر برای مردم، مستقل و آزاد قلم بزنیم. اگر حرفه‌ای بمانیم. اگر چگونه مانند را بیاموزیم. اگر به اعتلای این دوران

اوج کمک نمی‌کنیم، حداقل و وسایل فرود

آن را فراهم نسازیم، می‌توانیم باور کنیم که این بار طفل بازیگوش روزنامه‌نگاری ایرانی، علی‌رغم تمام تهدیدها و توهین‌ها، محدودیت‌ها و متصف شدن به صفاتی چون «قلم به مزد» و «مزدور اجنبی» راهی را در پیش گرفته است که نمی‌تواند و نباید به عقب بازگردد. راه آینده در پیش‌روست و گذشته تنها مایه عبرت. شاید روزگاری نه چندان دور روزنامه‌نگاران ایرانی خود را افرادی بی‌هویت و کارمندپیشه می‌دانستند اما امروز آنها از چنان جایگاهی در بین مردم برخوردارند و به اندازه‌ای اعتماد آنها را به خوب جلب کرده‌اند که مردم در قبال زندانی شدن مدیران مطبوعات حاضرند وثیقه‌های سنگین معین شده^{۱۳} از سوی دادگاه را بپردازند اما نشریه مورد اعتماد خود را هر صبح یا عصر بخوانند.

منابع:

۱. فرغانی، محمد مهدی. استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در طلوع جامعه مدنی. مجموعه مقالات دومین سمینار مسائل مطبوعاتی مرکز مطالعات و

تحقیقات رسانه‌ها، ج. ۱، ص ۴۸۵.

۲. همان منبع.

۳. ام. وی. کامان. روزنامه‌نگار کیست. ترجمه

قاسم طلوع. رسانه، بهار ۷۱، ص ۴۴.

۴. همان منبع.

۵. محمدی، مجید. راهبردها و موانع تحول کیفی

مطبوعات ایران. مقالات دومین سمینار مسائل مطبوعات

ج. ۱، ص ۵۴۸.

۶. نمکدوست، حسن. مبانی استقلال حقوق حرفه

روزنامه‌نگاری، مقالات دومین سمینار مسائل مطبوعات

ج. ۱، ص ۴۰۸.

۷. روشندل، عبدالرضا. رضایت شغلی

روزنامه‌نگاران. مقالات دومین سمینار مسائل مطبوعات

ج. ۱، ص ۵۲۵.

۸. انتقاد روزنامه‌نگاران از مطبوعات. رسانه، سال ۵

ش ۲، ص ۸.

۹. بروجرودی، مهدخت. نتایج یک بررسی در مورد

آموزش روزنامه‌نگاری در ایران. مجموعه مقالات دومین

سمینار مسائل مطبوعات ج. ۱، ص ۵۹۸.

۱۰. همان منبع.

۱۱. پهنج ضعف اساسی در نظام آموزشی

روزنامه‌نگاری. رسانه، سال ۵، ش ۴، ص ۴۲.

۱۲. بنی‌هاشم‌نژاد، فرزانه. گزارش یک رویداد.

رسانه، سال ۷، شماره ۳، ص ۱۰۴.

۱۳. پیام امروز. گفت‌وگو با مدیران مسؤول

روزنامه‌های توفیق شده. تیرماه ۷۸، ص ۲۵.